

THE LIBRARY OF CONGRESS SERIAL RECORD
OCT 21 1944
Order Number

جبهه آزادی

پسین های دهانالده شد آهسته آهسته
رستار شود این ناله ها فریاد میگردد
(نوشته بر روی)

این قطعه علی رغم گسایکه تفرقه آفرینان این کشور را بهترین وسیله پیشرفت مطامع و مقاصد خود میدانند یکبار دیگر ثابت کرد هر اندازه از حیث جزئیات و فروع بین میلیون ایران اختلاف باشد بدرجه یست که قوای وجه مشترکی برای مبارزه جمعی و تمرکز نیروها بدست آورد.

این اعلامیه مشق پولادینی است که بدعان مخالفین آزادی ملت ایران و طرفداران رضاشان گفته شد.

این اعلامیه هر چند ظاهراً غیرمترقب جلوه کرد لیکن در حقیقت مقدمات آن بلافاصله پس از وقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ تهیه شد و تدبیراً تحول و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران این آرزوها را با امضاء قطعه کنونی جاهل و جاهل و صورت جبهه متحد مطامع آفرینان جلوه گر ساخت.

از همان اوایل که دیکتاتور خون آشام مجبور باستفا شد گسایکه در دوره خودسری طم جیس و تبیح زهر رومی و شکنجه های شهریانی و تازیانه زندان پهلوی را چشمه بودند از کلیه عناصر آزادخواه دعوت نمودند برای جلوگیری از زنجیر اصولی که تمام مقدمات ملی ایران را زیر پا گذارد و بر روی نش میزبان بیکانه اساس حکومت ترور و بیدادگری را مستقر نمود، بدون توجه به اختلاف در فروع عقاید بدور هم گرد آید و جبهه واحد آزادی را در مقابل صف ارتجاع و بیدادگری تشکیل دهند.

گر چه باری امر تشکیل چنین جبهه بنظر مرتجعین عملی نبود لیکن اندک اندک تذکرات گریه آفرینان آزادخواه و تحول اوضاع سیاسی و اجتماعی ما در جریان یومال اخیر خود بخود محیط مساعدی برای عملی شدن این فکر تهیه نمود و در ۲۷ تیر ماه اولین نشست این بنا بدست مدیران باشاهمات چهارده روزنامه تهران گذاشته شد.

قطعه ۲۷ تیر ماه در عین اینکه یک عمل تاریخی بشمار می رود بنظر ما اعلام خطری است که بعموم ملت ایران شده است.

این اعلامیه برساند که قانون اساسی و اصول شرفیولیت دوره پهلوی و بر خطری را طی میکند.

این قطعه ثابت میکند که ارتجاع از نرسست دوسال و عدم اتحاد آزادخواهان استفاده کرده از نو برای استقرار اساسی زورگویی که تمام کرده است.

جبهه آزادی چنانکه از مقدمه و متن قطعه ۲۷ تیر ماه بر می آید فقط برای مبارزه با این (خطر قطعی و وحشت فتنه که کشور و ملت ایران را تهدید میکند) تشکیل شده و جز (انهدام این اساس مغرب و کانون فساد و خود سری) نظرد دیگری ندارد.

جبهه آزادی حزب جدیدی نیست که برای تأمین برنامه معینی تشکیل شده باشد، جبهه آزادی اتحاد عناصر آزادخواه و طایفه سبیه متحد مشروطه خواهان ایران است

بعین نظر در متن قطعه (از عموم آزادخواهان و اصحابی که با این اصول موافقت دارند) دعوت شده است که با نام فوا گرد و مشترکاً بر علیه اوضاع و عوامل ارتجاع مبارزه نموده زمین را برای نهضت حقیقی آزادخواهی حاضر و آماده نمایند.

حزب توده ایران که چهار ماهه قطعه را شنیده بهر حال خود بدینتر است تشکیل این جبهه را بعموم آزادی خواهان تبریک گفت و با تمام قوی به پیروزی این نبرد حیاتی کمک و مساعدت خواهد نمود.

حزب توده ایران از هر نهضتی که به منظور برانداختن اصول زورگویی و بیدادگری ایجاد شود جداً و قویاً پشتیبانی خواهد نمود شعار اینست:

آزادخواهان ایران متحد شوید!

..... که آزمون رئیس دارایی فروین یکی از صاحبدارهای ادارتدارایی را بنا بدستور قبلی آقای کلهر برای تهیه بیان شرکت تأمین خواربار کمک فرستاده و شرکت هم قول داده است مبنی بر عنوان حق الزحمه پس از حسابدار بپردازد که همین شخص حتی دستور داده است کوبن نان بیضی از اعضاء حزب توده ایران نهدند. که بپوش

خان آقاخان و حمادالدین مالکین کرگروند با یک بسی مقامات شهنشاه های دهقانان را پناهدادن کوبن تندو شکر ولی بنظر او استاده در انتظارات جمع آوری میکنند.



کارش آقای کامیال اعظا سبزواری

باز هم راجع بحزب توده ایران

ای دو صد لعنت بر این لعنت باد

حلق را قلدهشان بر باد داد

تازه اگر هم چنین فرموده باشند صدافش مانند عمر عبدالعزیز خلیفه اموی است نه هر سلطان جباری مثلارضا خان هم شاه بود آیا میشود گفت ظل الله بود آیا ظل الله پنج هزار نفر را در آغوش خوانده باشد. علم رابینمی واتی بدست نیابورده اند چرا که علم آنیز نیست که انسان را آشنا بنظایق اشیاء کند و در این کشور بیست از خاقان نیفتود تا کسی حقیقت چیزی را بدست آورد (و بقول حکما از بیستهای شکفته که در اطراف هر چیزی می شود جز از دو صد است اول و دوم شرح الاسم و مطلب هل بیطیبه که اثبات وجود بیانی بآن است معلومات در ایران تجاوز نمیکند. لذا بنا بر این مقدمات که گفتیم نادانی عمومی بطور کلی مدلل است مگر افرادی محدود شاذ و نادر دیده میشود که نسبتاً اهل تحقیق و تدقیق اند ولی بقدری کم اند که بایست آنها را نیست انگاشت و بقول هر نهالالتادر کالعدم - بس هیچ تحقیقی در این کشور روشن نشود مخصوصاً حقایق اجتماعی و سیاسی - زیرا در هیچ دوره ایرانیان غیر از تشکیلات استبدادی و ظالمانه شناسی تشکیلات دیگر نداشته اند که افغان متوجه آنها شده باشند و در دوره اسلام هم علمای ایران حتی حکما و فلاسفه شان بیشتر بطور چاپلوسی برای اثبات مقام ظلال الهی احادیث نیز جعل کردند و بنام یضیرو امام کلماتی را به هنگام آموختن مثل (السلطان ظل الله فی الارض) یا (السلوک ملیون) یا (بداهة قلب الملک) یا (فیض السلطان ولاسلطه الامان الله) و هزاران دوره های دیگر که با مشی دین مبین اسلام درویش و پیشبر و نامه دین علیم السلام ابداساز ندارد.

طبق تلگرافیکه از مراغه رسید است آقای داداش همزاده مسئول تشکیل حزب توده ایران در این شهر را بر اثر شکایت دکتر شبانی که خود در واقعه قتل قوچ علی شرکت داشته است ترهبار پرس احضار نموده و از وی ضمانت خواستند که از شهر خارج نگردد و ضمانتکام باز برسی بوی اسلام داشته اند که یکی از دلایل مقرر بودن نامبرده اینست که در دوره رضا خان بانام آزادخواهی زندانی بوده است!

ما بار ها گفته ایم که در موثیت باریک انتظارات مرتجعین و جیره خواران آنها برای حفظ منافع خویش و اختناق نهضت توده و جلوگیری از فعالیت آزادخواهان از هیچ اقدامی قرو گذار نخواهند کرد و بانام شمای شورش خواهند کوشید که از انتصاب شدن و کلاهی حقیقی ملت جلوگیری نمایند.

اینکه یک نموه بلژی از آن معلوم نیست مقامات قضائی مراغه به حق شکایت کسی که خود متهم بشرکت در قتل است ترتیب اثر داده اند و به پیجویی میکنند از آزادخواهان را حلا مجبور باقیات اجباری ساخته و حق آزادی وی را سلب کرده اند!

ما جدا باین عمل خلاف قانون اعتراض می نمایم و تقاضا داریم فوراً از نامبرده رفع مزاحمت بعمل آید

پهبر

خلاف قانون

طبق تلگرافیکه از مراغه رسید است آقای داداش همزاده مسئول تشکیل حزب توده ایران در این شهر را بر اثر شکایت دکتر شبانی که خود در واقعه قتل قوچ علی شرکت داشته است ترهبار پرس احضار نموده و از وی ضمانت خواستند که از شهر خارج نگردد و ضمانتکام باز برسی بوی اسلام داشته اند که یکی از دلایل مقرر بودن نامبرده اینست که در دوره رضا خان بانام آزادخواهی زندانی بوده است!

ما بار ها گفته ایم که در موثیت باریک انتظارات مرتجعین و جیره خواران آنها برای حفظ منافع خویش و اختناق نهضت توده و جلوگیری از فعالیت آزادخواهان از هیچ اقدامی قرو گذار نخواهند کرد و بانام شمای شورش خواهند کوشید که از انتصاب شدن و کلاهی حقیقی ملت جلوگیری نمایند.

اینکه یک نموه بلژی از آن معلوم نیست مقامات قضائی مراغه به حق شکایت کسی که خود متهم بشرکت در قتل است ترتیب اثر داده اند و به پیجویی میکنند از آزادخواهان را حلا مجبور باقیات اجباری ساخته و حق آزادی وی را سلب کرده اند!

ما جدا باین عمل خلاف قانون اعتراض می نمایم و تقاضا داریم فوراً از نامبرده رفع مزاحمت بعمل آید

پهبر

فرمان استالین

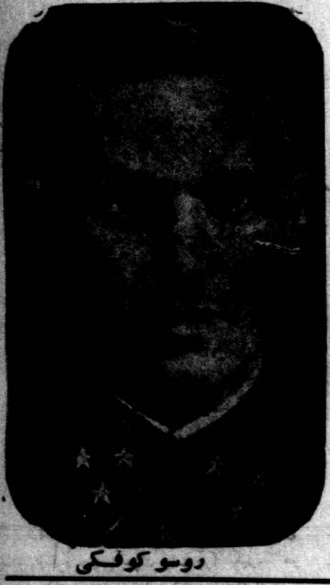
آلمان ۲۹۰۰۰ تانک و ۱۳۹۲ هواپیما از دست داد
۷۰۰۰۰ سرباز وی کشته شدند



مارشال استالین

مسکو - طبق اطلاع خبرگزاری انکلیس مصر شبه رادیوی مسکو اعلام داشت که مارشال استالین حکمی خطاب بزیرال روسوسکی و زیرال «واوتین» وزیرال پوپوف را جمع بطل و فصل کامل قضیه مهاجرت آلمان دو ماه ژوئیه صادر کرده و طی آن چنین اظهار داشت که دیروز که روز بیست و سوم ژوئیه بود نیز برای ما بر اثر صلحیات مقرون بوقت خویش کار مهاجرت آنها را در ماه ژوئیه یکسره تمهیه نمود و تا حقیقت اول وصال یلگرود در جهت کورسک خرنیهای نیروی دشمن وارد آوردند. بامداد هفتم ماه ژوئیه آنها چندین دسته یلگرود بسله واداشت.

فرماندهی آلمان هفت لشکر زره پوش و دو لشکر موتوریزه و یازده لشکر پیاده در میدان جنگی اول و کورسک بهیدمرسته!



دوسو کوفکی

عربی خواند که به عرب مقصدش را نمید به جسم مقصودش را بازه ترانیکه همین مرشد در روز مولود امیرالمومنین که بنیاست در وقت آن بزرگوار اشفاری خوانده اول کتار اظهار داشت امروز روز مولود خاتم النبیین علی ابن ایطاب است!

بسی روز ها خصوصاً جمعه بیضی آواز و ساز بملت نامیدن نوآیند کانونی ترتیبی کار همه را صحنه گذاری میکنند در هر صورت باندازه اوضاع این اداره در هم و بر هم شده که بنده منعم شدم پس از چند روز از خانه بیرون آمده دیدنی از رئیس تبلیات بکتم و شکایات خود وسایر شونه کان را بر سر رسانم..... اداره رستم و چون جسد میزدن کورسک اداره باید حالا دیگر عوض شده باشد و از پیش خدمت های مخصوص افسان رئیس سوال کردم یکی گفت رئیس قبلی مدتیست استعفا داده و فلا آقای مطیع بچه در صفحه ۲

بنداشتم زمان سرپاس مخفاری است

چند روزی برای رنج خشکی اندک کسالت و سرما خوردگی را بهانه کرده از منزل بیرون نیامدم و حتی تصمیم گرفتم برای اینکه از هر جهت راحت باشم روزنامه انصاف را از اخبار کشور و خارج بی اطلاع باشم. با این همه نتوانستم خود داری کنم که گاهی پای رادیو نشینم و از گفتار های بی سود و زیان آن نشنوم.

چند دفعه که موج مخصوص تهران را گرفتیم دیدم هرج و مرج غریبی در برنامه رادیو و طرز اجرای آن پیدا شده که اگر مشروح و مفصل بنگام سر خوانندگان محترم درد خواهد آمد قط برای نوبه دو سه نکت را می گویم:

مکرر درس ساعت اجرای برنامه - گویندگان رادیو حاضر نبودند و جور آنها را مهندسین برق و کارمندان اداره بی سیم می کشیدند که گذشته از اینکه نشان گویندگی نیست تابع اداره دیگرند و در حقیقت از این راه متی بداره تبلیغات بی گذارند بیشتر آنچه که در برنامه قبلا قید شده بود گویندگان نیز دو آغاز اعلان میکنند اجرا نشود مثلاً:

همین امروز و چند دفعه دیگر اعلان کردند ساعت شش و یازده دقیقه

دشمنان حزب پانک توده بهتان میزنند.
زاتکه جز بهتان سلاهی نیست اندر دشمنان
در جواب با سزاها شان خموشی بهتر است
تا نیلاید زبان ما به نام پست شان

اجرای عدالت

میگذشتو شبها هم باسرما و گرستی و تاریکی بیابان میرسید تنها چیزیکه پایان نداشت قهر و بدبختی این خانواده کوچک بود

دیک کوچک، دو سه پیرامن نو پسر دختر فروش رسیدند. کارگر جوان را کسی ییازی نگرفت و بازوان بر بهای او را کسی خریداری نکرد شدت مرض پدر بدوچه اطلاق میرسد گرسنگی و سرما هم دردمرک او تسریع و کله میکردند او را کم کم ولی مودیانه بطرف گوستان میبردند.

شی سردتر از شبهای پیش بدون خاکستر گرم و چراغ باین خانواده نصیب گذشت. سرگله کارگر جوان برخاست بسرعت لباس زنده خودرا پوشید بانوک انگشتان پا بریستر پندارفت. پیر مرد با مرک مبارزه می کرد گویی باصبراف از چنان زندگانی سخت هم حاضر نبود چشمان در حله فرو رفته خود را کسی باز کرد برحت دستهای نیف خود را برای دو آغوش گرفتن فرزند از لسان مترس بدر آورد.

مرور زمان هم هنوز نتوانسته بود طلام تمام ماهین های آهین و بی حس را از آن دستهای پاک معو تابد.

تازه آفتاب طلوع میکرد، خیابانها خلوت بود قط سگهای بدون صاحب و ولان برای پیدا کردن تپله زمین نشکی که بتواند خودرا در آنجا پناهنده شود آفتاب گرم کنند بهر طرف میروییدند کارگر جوان بسرعت راه می پیود نشاط جیبی در او دیده میشد. در پیچ خیابانی که بدوب ورود کارخانه منتوی میگردد متوقف گردید - دست راست را در جیب شلووار پاره پاره خود فرو برد و در این کار چنان مواظبت داشت که گوش شش قستی و پر بهایی را حفاظت می کند مدتی در انتصاب جای توقف مردد ماند و وقتی از دور صدای مانور اتوبیلی را شنید خود را در وسط خیابان قرار داد

ماشین بسرعت بجانب کارخانه میاید، این مدیر کارخانه بود که بنا بداد همیشه کی خود و برای نظارت در همه چیز کارخانه بدقت خود میرفت - ماشین با تمام سرعت قلب خود مجبور شد در نتیجه وجود کارگر جوان دره زیر خود متوقف شود - راننده با فحش و ناسوا میخواست کارگر را دره کند ولی او میخواست با مدیر مذاکره نماید مرد حکم گنده که آثار شرب زیادش در چشانش دیده میشد درپ اتوبیل را گشود کارگر را باسم خوانده برسیه چه میخواهی!

کارگر - کار کار

خانه از پای بست

ویرانست

دوش در برم دوستان کین بود مارا زهر مقوله سخن بسخن تازه بود نوبت من ناگاهان گفت زانیمان بکتن چیست کاشفته وضع ایرانست؟

چه سبب دارد این بریشانی؟ کشد این وضع تیره و ابانی؟ بهر یکشت خائن و جانی در دل فرد ایرانی یا غم جان و یا غم ناست دزد بیچار و تخط درمانست گفتم ای دوستدار تلومیم گوش کن یا مست همیگویم تیر باره اگر زهر سوم جز ره راستی نسی بویم نهم این تیره یعنی آسانست گر تر از بر کلام ایسانست نادر ایضانه نیست خانه خدای تا نگردد سرتی بدر زساری تا نچینه خلق خست زجای خود هین روزگار آسانست روز بهتر محال امکانست تا که خلوشی است عادت ما تا که باقی بود نیابت ما نکند هیچکس رعایت ما سر آزادی و سعادت ما زیر شمشیر راه مردانست بسته بسرعت جوانانست رسته تا در کف دغل باشد

دزد تا حضرت اجل باشد پای امید در وجه باشد در همه کار ما خلل باشد تا بر این گله گره چوبانست وای بر حال گوشه اندانست دار کبیر اگر یا نکند توده حق خود اذلا نکند این ستم پیشگان حیا نکند فکر مسکین و بیوا نکند دره سواره شاد و خندانست بی بریشان و بی شینانست کاخ بیدار و ازوگون بایه معوان سق و ابن شتون بایه ظل باطل بود چون بایه راستی روز عید خون بایه خون ناپاک کینه و ندانست که بر این توده آفت جانست در کف مردمان بی وجدان ملنی مبتلا و سرگردان رهبر خسته کارگر عربان قله بیمار و بزرگ بی نان خون نشان دیده گان دهقانست مرگشان دست در گریبانست آخرای توده دست و پای کن هجوتوب گردان صدای کن جنبش گرم و جانگزاکی کن نازل از هشت پلائی کن معو ساز آنچه سد طیفانست

زآنکه طیفان بگانه درمانست بازوان تو فتح باب کند خانه تا کسان خراب کند کوه را نمره تو آب کند دست ظلم از تو اجتناب کند

دگر جلسه علنی پارلمان متقد شد دالادیه حتی صد رای هم نخواست داشت اطرافیان لاوال برای نخست وزیر مارشال بن تبلیغ میکردند آنها میگفتند دالادیه متنوع الزواج است در مقابل کونیشتها و انگلیسها تاب مقاومت را ندارد و فقط یک سرباز نای میتواند کشور را از این مهلکه نجات دهد ولی دالادیه فرمت را از دست نداده اقدام بحلات مقابل نمود اولین قدمی که در این راه برداشت تعیین کمیسیون مضی در پارلمان برای مطالعه در امر مبارزه با کونیشتها بود. کمیسیون پس از مذاقه لازم پیشنهاد کرد اشخاصیکه مظنون بطرفداری ازفرقه کونیشت هستند از ادارات دولتی رانده شوند. در همان اوان در نتیجه گوشه دالادیه شورای عالی جنگ متعین تشکیل گردید کابینه مضمم شد در صورت تقاضای فیلاند بحضایت وی بر علیه شوروی قیام نماید. در اجرای همین تصمیم ارگان حزب شش هزار نفر از نیروی ارتش را در یکی از بناهای فرانسه متفرق و منتظر در اعزام آنها فیلاند شد. پس از تهیه این مقدمات دالادیه در جلسه معرمانه پارلمان که از زمان بروز جنگ اولین جلسه معرمانه بود حضور بهم رسانید. مباحثات ۳۱ ساعت ادامه داشت و بالنتیجه با ۵۳ رای یعنی با توافق کامل از کابینه دالادیه بکارهای خود ادامه داد طرفداران سازش حلات خود را تجدید نمودند و حتی روزنامه بی بارزین وقامت را بجایی رسانید که بطور اشاره سخن از امکان وقوع صلح باقیتر میراند. جریان مباحثات کنفرانس منشی کبینه های اهلای حزب سوسیالیست نشان داد که تشکیل فرقه سوسیالیست نیز تحت تاثیر طرفداران پول نور واقع شده است. افکار عامفرانه کم و بیش دریافته بود که فیلاند نخواست در مقابل شوروی مقاومت کند مذاکره خبر صلح فیلاند با شوروی پس از دکافتن خط سارمانام تاثیر شکرانی

نامه‌ها

تقاضای کارگران سیلو

نامه رهبر - کبینه اداره امور سیلو ما و غله تهران کبینه روزنامه مردم کبینه روزنامه آذیر

مدیر محترم نامه رهبر
خواهشند است مطالب حقه ما را در آن نامه شرحه امر بدرد فرسوده او اولیای امور را از وضوح وقت باورندگی ما مطلع سازید. ما کارگران سیلو تهران که حساس ترین و پر مشقتترین کارخانه دولت را اداره نمودم در اثر خالصت و جدیت کارشاه روزان هشتصد هزار را تهیه مینماییم متاسفانه خوداز تمام برابای و حقوق کارگری بی بهره و هیچیک از مساعدهتاییکه هیئت دولت از برای کارگران تصویب نموده بجا نماند نگرته حتی از حقوق خه خود نیز معروم هستیم یقینا از برای ما اعتراف نهی است که بگویم در سیلو گرسه هستیم تاکنون بیش از صد مرتبه بواسط مختلفه بریاست محترم چگونگی و بیچاره گی خود را گفته و مطلب خود را بر خواست نموده ایم متاسفانه تاکنون مراض ما مشر نبر واقع نشده هیچگونه مبراهی و مساعدهتی ننوده اند اینکه باز برای صد و یکمین مرتبه مطالب حقه خود را از ریاست محترم اداره امور سیلو ما در خواست نموده تمنتی مینمایم که هرچه زودتر آنها را صلی نموده ما را قزمین استان فرمایند.

۱- خواربار

از برای مراقبه حیانتت بشر بدون غذا نمیتواند زیست نماید تاچه رسد بکار کردن دستزدی را که شفا ما میدهد کلاف نان خالی را نبیند در سال گذشته هیئت دولت تصویب نمود که کار خانیات دولتی و ملی موظفند خوار بار میوردی احتیاج کارگران خود را بقتت شهرداری و ۱۳۲۰ مدرستس کارگران خود بگذارند و تمام کارخانه جات ام از دولتی و ملی نیز آراصلی ننوده اند از برای احتیاج کارگران خود را مرتفع ساخته ولی تاکنون بکارگران سیلو تهران هیچگونه مساعدهتی از حیث خوار بار نشده اداره سیلو بایه هرچه زود تر حواص ما را از حیث خوار بار مرتفع سازد.

۲- پیشنهاد هیئت رزوه

تصویب مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۱ راجع به دستزد کارگران این بود که دستزد کارگران کارخانه جات دولتی و ملی باید و برابر دستزد سال ۱۳۲۰ بشود با آنکه این پیشنهاد در دو پیوهده پاس و حرمانست مان که نام توزیع انسانست مگر این خانه نیست خانها و مگر این نیست آشیانه ما بار منت شکست خانه ما چیست اکنون دگر بهانه ما وقت فرصت زکف گریزانست

حزب سوسی و کارگری

خبرها

تمام کارخانجات صلی غددر سیلو تهران صلی نشد بهی ما حتی صدی ده وصدی بیست اضافه نمودند البته این ترقی هزینه زندگی و این دستزد زندگی برای ما طاقست فرساست در خواست مینمایم که با نظریه روسای قسمت و نمایندگان کارگران حقوق ما را ترمیم نمایند

۳- بهداشت

با آنکه مرتباً از روز افتتاح سیلو تاکنون از دستزد ما صدی دو بنهوان بییه و بهداشت کسر مینمایند آنچه را که از بهداشت استفاده نموده و دربار ما معیری داشته اند همان بفضلمتهای متعددی است که راجع به کیفیت پاره‌ها با تیغوس و تیغویله و غیره نوشته شده و به‌ویژه کارخانه انسان نموده اند.

چون در کار خانیاتی که کار آنها شاه روزیست باید وسایل بهداری کامل موجود و با ادویه کامل مجهز باشند و با آنکه در کارخانه سیلو کارگر همیشه در معرض خطر است با اینحال فائده کلیه وسایل بهداری است و فقط چند روزی از دواهای عطیه ملوکانه مصرف نموده آنهم بدبختانه با تمام رسیدن تنی بی نایم چون بودجه و هزینه بهداشت کارخانه را خود کارگران میدهند پیش از این ما را در معرض امراض گوناگون نگذاشته و وسایل کامل بهداشت ما را آماده سازند

۴- دستزد کارگران در

موقع ناخوشی
آنچه تاکنون در سیلو تهران معیری میشد این بوده است کارگری که مدت چند سال در این کارخانه مشغول خدمت بوده اگر چند روزی مرض شد آرزوی ما از دیوانت دستزد معروم یعنی علاوه بر تحمل ناخوشی و محرومیت از کمک بهداشت خود و عائله او هم باید گرسه باشد و این غیر قابل تحمل است و بعضی اینکه تاکنون منحل شده ایم من بصاد هیئت ما خارج است اصولاً ما کارگران با بییه هستیم و با که در صورت اول اداره بییه مجبور است تمام دستزد کارگر مرض را در مدت بیماری بدهد و در صورت دوم اداره سیلو باید نصف دستزد امان تطبیقی کارگراغوشی خود را بپردازد

۵- بیمه

مدت پنجاه سال است که از دستزد روزانه ما صدی یک بنهوان بییه کسر مینمایند و مدتی است هم که در روزنامه جات بفضلمتهای اداری نوشته میشود و می نویسد که کارگران عموماً بییه و خصوصاً کارگران سیلو تهران از هر آسیبی بییه هستند ولی آنچه سق است بشا بگفته اداره بییه و گفته دستزد اداره بییه این

۶- وسایل ایاب و زهاب

که اداره سلو مسافت چند کیلو متر خارج از شهر و چندین کیلو متر دور از منازل کارگران است با اینحال فاقد وسایل ایاب و زهاب است و هر وقت هم در این خصوص مذاکره نموده و پیشنهاد کردیم که در روزی اتوبوس در اختیار ما گذاشته اینک با این گرانی کفش و کس و وسایل ایاب و زهاب در شهر برای آنکه بتوانیم سر وقت در اداره حاضر شده بکار مشغول شویم خواست مینماییم مانند تمام کارخانه جات خارج از شهر از قبیل دخانیات- سیمان- گودرمن - کلسیرین و غیره وسایل ایاب و زهاب کارگران خود را فراهم آورد.

۷- لباس کار

لباس کار - تهیه لباس باین وضع فطی قماش و گرانی روز افزون آن برای کارگران مقبور بیست همان طوریکه کارخانجات دیگر لباس کار کارگران خود را تهیه مینمایند از قبیل دخانیات - نانواخانه - کارخانه شماره ۵ و غیره از اداره سیلو تمنتی مینمایم لباس کار کارگران خود را تهیه نموده و در دسترس آنها بگذارند

۸- صدی پنج هزینه ایاب و زهاب

این موضوع مدتیست که تصویب شده و عموماً کارخانجات نیز دریافته داشته اند قطعاً کارگران کارخانه سیلو هستند که از تمام این مزایا معروم هستند خواهشمندم اگر استثنای در این پیشنهاد هیئت وزراه قیده نشودم برای تمام کارگرایست که صاحب جلال و اولاد هستند این مساعده را نیز در باره ما مراعات نمایند

۹- من میکتفم آشکار و نهی

دوش پاریس بشدیه زیر جرایم پاریس با وجود شکست فیلاند هنوز در اطراف مقاومت آنها فخر سانی میکنند. دالادیه مجبور شد پارلمان را برای انعقاد جلسه معرمانه دیگری دعوت نماید پس از مباحثات زیادی سیصد نفر از نمایندگان احزاب مختلف از دادن رای اعتدال بدولت خودداری کردند بنا براین دالادیه فقط ۲۳۹ طرفدار پیدا کرد و مانند سک باران خورده از پارلمان خارج شد. دوره سوم جنگ فرانسه با استعای دالادیه خانه یافت. دالادیه حاضر شده بود برای نجات خود حتی با شوروی وارد معافه شد و تقاری تانک و طیاره که وجود آنها در جنبه کمال ضرورت را داشت معرمانه به کمک فیلاند فرستاد وی بدین ترتیب شکستی را که در پیکر جلسه فرانسه پیدا شده بود عیبی تر نکرد.

۱۰- پول رو پس از انتظار زیادی

پول رو پس از انتظار زیادی بالاخره زمام امور کشور فرانسه را بدست گرفت و از این موقع دوره چهارم جنگ فرانسه آغاز میشود اشخاصی را که برای کابینه خود برگزیده ازمیچ حیث برست نبودند بلکه آنها را میتوان اشخاص عادی معائن سیاسی فرانسه مصوب داشت. بعضی از آنها اعضا کابینه دالادیه و بعضی دیگر از وزرا کابینه های سابق بودند موضوع قابل تذکره فقط استعای ژورژ بون وزیر عدلیه و ورود چند تن از سوسیالیستها بکابینه رنو است. پارلمان روی خوشی به کابینه جدید نشان نداد زیرا سوسیالیستها در آن عضویت داشتند ضمناً رنو مجبور شد برای بدست آوردن قلب رادیکال ها با آنکه با دالادیه تهر طرف صحبت نبوده وی را بست وزیر دفاع ملی وارد کابینه نماید کابینه رنو فقط با اکثریت یک رای حق حیات پیدا کرد درحین تشکیل کابینه اوضاع جنگ مرحله نسبتاً آرام خود را پایان میرساند.

اجرای عدالت

میگذشتو شبها هم باسرما و گرستی و تاریکی بیابان میرسید تنها چیزیکه پایان نداشت قهر و بدبختی این خانواده کوچک بود

دیک کوچک، دو سه پیرامن نو پسر دختر فروش رسیدند. کارگر جوان را کسی ییازی نگرفت و بازوان بر بهای او را کسی خریداری نکرد شدت مرض پدر بدوچه اطلاق میرسد گرسنگی و سرما هم دردمرک او تسریع و کله میکردند او را کم کم ولی مودیانه بطرف گوستان میبردند.

شی سردتر از شبهای پیش بدون خاکستر گرم و چراغ باین خانواده نصیب گذشت. سرگله کارگر جوان برخاست بسرعت لباس زنده خودرا پوشید بانوک انگشتان پا بریستر پندارفت. پیر مرد با مرک مبارزه می کرد گویی باصبراف از چنان زندگانی سخت هم حاضر نبود چشمان در حله فرو رفته خود را کسی باز کرد برحت دستهای نیف خود را برای دو آغوش گرفتن فرزند از لسان مترس بدر آورد.

مرور زمان هم هنوز نتوانسته بود طلام تمام ماهین های آهین و بی حس را از آن دستهای پاک معو تابد.

تازه آفتاب طلوع میکرد، خیابانها خلوت بود قط سگهای بدون صاحب و ولان برای پیدا کردن تپله زمین نشکی که بتواند خودرا در آنجا پناهنده شود آفتاب گرم کنند بهر طرف میروییدند کارگر جوان بسرعت راه می پیود نشاط جیبی در او دیده میشد. در پیچ خیابانی که بدوب ورود کارخانه منتوی میگردد متوقف گردید - دست راست را در جیب شلووار پاره پاره خود فرو برد و در این کار چنان مواظبت داشت که گوش شش قستی و پر بهایی را حفاظت می کند مدتی در انتصاب جای توقف مردد ماند و وقتی از دور صدای مانور اتوبیلی را شنید خود را در وسط خیابان قرار داد

ماشین بسرعت بجانب کارخانه میاید، این مدیر کارخانه بود که بنا بداد همیشه کی خود و برای نظارت در همه چیز کارخانه بدقت خود میرفت - ماشین با تمام سرعت قلب خود مجبور شد در نتیجه وجود کارگر جوان دره زیر خود متوقف شود - راننده با فحش و ناسوا میخواست کارگر را دره کند ولی او میخواست با مدیر مذاکره نماید مرد حکم گنده که آثار شرب زیادش در چشانش دیده میشد درپ اتوبیل را گشود کارگر را باسم خوانده برسیه چه میخواهی!

کارگر - کار کار

اثر آذرده سیمون

مسئولین شکست جمهوری سوم

۵۴-

میکردند و کلای طرفدار لاوال که مایل بصلح بودند دالادیه را وادار میکردند به شوروی اعلان جنگ بدهد.

ژنرال وایگان، برای مذاکره در اطراف مسال شرق پاریس احضار شد. ژنرال دیگر بست مشاور امور نظامی به فیلاند اعزام گردید.

مقداری هم تانک و طیاره منتظر ارسال به هلندکی بودند متجاوز از سه ماه در همه جا تبلیغ میشد که فیلاند پیش از یکسال استقامت خواهد نمود و شاید هم بشوروی فائق آید.

زردیک سال فرمانده عالی نیروی فرانسه اعلام داشت که خط ملایمو بواسط استعجابات اضافی تشکیل و از کنار موز بلویک تا سواحل دریا امتداد یافت معائن سیاسی پیش از بیست برمانده عالی ارتش بد بین شده بودند همه خرده گیری میکردند که کاملاً با جدیت لازم جنگ نیکنند و زیاده از حد احتیاط کاری بخرج میدهند و با نقش حله معالفت مینمایند.

بعضیا ژنرال نوکس فرماندار نظامی مراکش را بجای کاملن معرفی میکردند جار و جنجال و دسیسه بازی در پارلمان هنوز ادامه داشت برخی از وکلای هیئت بر علیه دالادیه سخن میرانند موضوع تشکیل جلسه معرمانه پارلمان بیوست طرفداران زیادی پیدا کرده بود معالفتن دالادیه چنین می گفتند.

انتخابات ساوه

اتومبیل شیک و قشنگی که گامگاه از این قبیل در این شهر دیده میشود کنار خیابان جدیدالاحداث ساوه مقابل خانه آقای (م) ایستاده بود رفیق کنجکای شوشی مرام بود پرسید: این گپواره جبریل ماست کیست؟ گفتیم مگر نیاوردی آقای... امروز صردرد این شهر تزلزل اجلال فرمودند!

گفت: بشنید ولی هر قدر فکری میکنم نمیتوانم علت ورود ایشانرا استنباط نمایم زیرا من اهل این شهرم و میدانم که آقای... هرگز با اهل ساوه سروکاری نداشته مگر اینکه بگویم اینها سنک و کالت ملت را بر سر و سینه خود میکوبد و برای فراهم ساختن مقدمات کار با نجبا آمده است!!

گفت آری منظورش همین است و چون شنیده که کفعل مردم در چشم آبیانست با یکدیگر تکیه و زر و زور و خود فروشی وارد شده و مخصوصا اتومبیل شیک خود را جل نظر قرار داده و میخواهد بدین وسایل از اهالی جلب نظر کند.

خندید و گفت: مگر برای زن گرفتن آمده، مگر نیاوردی که کالت غیر از انتخاب مهر و مجلس شوری غیر از حله دامادی است، مگر صاحب تجملی در خود روکالت است؟ گفت آن یکی را چه میگویی که شیوینو کرنا برداشته از دور مراتب زهد و تقوی خود را به گوش اهالی این شهر نرسد میخواند و مطومات شرعی و درجه اجتهاد خود را بر رخ مردم میکشد؟ گفت: آن بیچاره هم پشایش مردم نیاورد که در این موعت سعت و باریک مجلس شوری بفرزاسد جمع و سیاست ملک و ملت بفرزاند.

چهارم است پیاده بلای اینک بگویم از باب صائم و اهل زهد و تقوی برای نمایندگی شایسته ترند تازه او واجدان مقام تیره و بلنگ اشخاص مطلع این شهر میدانند که چنانچه برخلاف شروع و حرف هم مباحثی دارد و محافضاتی و کالت گذرگری هم نیست!

گفت از فراری که شنیده میشود تاکنون از هشت نفر مرید باورسال مسئله و بنیاد گوناگون خود را نامزد نمایندگی این شهرستان دانسته و هر یک برای بدست آوردن زمینه مساعد چند بیانات مشغولند: یکی کیف چرمی زبر پهل گذاشته پیاده و سواره از این دو آن ده از این قصبه بآن تیره طی طریق میکند و خودی نشان نمیدهد - سنک دلسوزی ملت را به بیست - دیگری همان کینه قنوت را که تا دیروز بسته بود باز کرده - و بوجه اهالی را از مجالس سور و سرور خود بهره رده ساخته و با امیدواری کامل از نتایج آتی مشتغ خود حظ میبرد - آن یکی در تهران پنهانی اتحادیه قطع برای خود و پس عیوا و پسر خاله هایش بنام (اتحادیه سلوچها) تشکیل داده و مجله ادبی و فرای !! (استشار میلیونرها) را بپیراهن ضامن ساخته و دیک هوس نماینده ساوه را روی این کوره بار کرده است - رفیق که در نهایت دقت بحرفهای من گوش میداد یکدفعه مثل کسیکه مصالحت با طاعن رسیده باشد پرسید:

اتومبیل شیک و قشنگی که گامگاه از این قبیل در این شهر دیده میشود کنار خیابان جدیدالاحداث ساوه مقابل خانه آقای (م) ایستاده بود رفیق کنجکای شوشی مرام بود پرسید: این گپواره جبریل ماست کیست؟ گفتیم مگر نیاوردی آقای... امروز صردرد این شهر تزلزل اجلال فرمودند!

گفت: بشنید ولی هر قدر فکری میکنم نمیتوانم علت ورود ایشانرا استنباط نمایم زیرا من اهل این شهرم و میدانم که آقای... هرگز با اهل ساوه سروکاری نداشته مگر اینکه بگویم اینها سنک و کالت ملت را بر سر و سینه خود میکوبد و برای فراهم ساختن مقدمات کار با نجبا آمده است!!

گفت آری منظورش همین است و چون شنیده که کفعل مردم در چشم آبیانست با یکدیگر تکیه و زر و زور و خود فروشی وارد شده و مخصوصا اتومبیل شیک خود را جل نظر قرار داده و میخواهد بدین وسایل از اهالی جلب نظر کند.

خندید و گفت: مگر برای زن گرفتن آمده، مگر نیاوردی که کالت غیر از انتخاب مهر و مجلس شوری غیر از حله دامادی است، مگر صاحب تجملی در خود روکالت است؟ گفت آن یکی را چه میگویی که شیوینو کرنا برداشته از دور مراتب زهد و تقوی خود را به گوش اهالی این شهر نرسد میخواند و مطومات شرعی و درجه اجتهاد خود را بر رخ مردم میکشد؟ گفت: آن بیچاره هم پشایش مردم نیاورد که در این موعت سعت و باریک مجلس شوری بفرزاسد جمع و سیاست ملک و ملت بفرزاند.

چهارم است پیاده بلای اینک بگویم از باب صائم و اهل زهد و تقوی برای نمایندگی شایسته ترند تازه او واجدان مقام تیره و بلنگ اشخاص مطلع این شهر میدانند که چنانچه برخلاف شروع و حرف هم مباحثی دارد و محافضاتی و کالت گذرگری هم نیست!

گفت از فراری که شنیده میشود تاکنون از هشت نفر مرید باورسال مسئله و بنیاد گوناگون خود را نامزد نمایندگی این شهرستان دانسته و هر یک برای بدست آوردن زمینه مساعد چند بیانات مشغولند: یکی کیف چرمی زبر پهل گذاشته پیاده و سواره از این دو آن ده از این قصبه بآن تیره طی طریق میکند و خودی نشان نمیدهد - سنک دلسوزی ملت را به بیست - دیگری همان کینه قنوت را که تا دیروز بسته بود باز کرده - و بوجه اهالی را از مجالس سور و سرور خود بهره رده ساخته و با امیدواری کامل از نتایج آتی مشتغ خود حظ میبرد - آن یکی در تهران پنهانی اتحادیه قطع برای خود و پس عیوا و پسر خاله هایش بنام (اتحادیه سلوچها) تشکیل داده و مجله ادبی و فرای !! (استشار میلیونرها) را بپیراهن ضامن ساخته و دیک هوس نماینده ساوه را روی این کوره بار کرده است - رفیق که در نهایت دقت بحرفهای من گوش میداد یکدفعه مثل کسیکه مصالحت با طاعن رسیده باشد پرسید:

اتومبیل شیک و قشنگی که گامگاه از این قبیل در این شهر دیده میشود کنار خیابان جدیدالاحداث ساوه مقابل خانه آقای (م) ایستاده بود رفیق کنجکای شوشی مرام بود پرسید: این گپواره جبریل ماست کیست؟ گفتیم مگر نیاوردی آقای... امروز صردرد این شهر تزلزل اجلال فرمودند!

گفت: بشنید ولی هر قدر فکری میکنم نمیتوانم علت ورود ایشانرا استنباط نمایم زیرا من اهل این شهرم و میدانم که آقای... هرگز با اهل ساوه سروکاری نداشته مگر اینکه بگویم اینها سنک و کالت ملت را بر سر و سینه خود میکوبد و برای فراهم ساختن مقدمات کار با نجبا آمده است!!

گفت آری منظورش همین است و چون شنیده که کفعل مردم در چشم آبیانست با یکدیگر تکیه و زر و زور و خود فروشی وارد شده و مخصوصا اتومبیل شیک خود را جل نظر قرار داده و میخواهد بدین وسایل از اهالی جلب نظر کند.

خندید و گفت: مگر برای زن گرفتن آمده، مگر نیاوردی که کالت غیر از انتخاب مهر و مجلس شوری غیر از حله دامادی است، مگر صاحب تجملی در خود روکالت است؟ گفت آن یکی را چه میگویی که شیوینو کرنا برداشته از دور مراتب زهد و تقوی خود را به گوش اهالی این شهر نرسد میخواند و مطومات شرعی و درجه اجتهاد خود را بر رخ مردم میکشد؟ گفت: آن بیچاره هم پشایش مردم نیاورد که در این موعت سعت و باریک مجلس شوری بفرزاسد جمع و سیاست ملک و ملت بفرزاند.

چهارم است پیاده بلای اینک بگویم از باب صائم و اهل زهد و تقوی برای نمایندگی شایسته ترند تازه او واجدان مقام تیره و بلنگ اشخاص مطلع این شهر میدانند که چنانچه برخلاف شروع و حرف هم مباحثی دارد و محافضاتی و کالت گذرگری هم نیست!

گفت از فراری که شنیده میشود تاکنون از هشت نفر مرید باورسال مسئله و بنیاد گوناگون خود را نامزد نمایندگی این شهرستان دانسته و هر یک برای بدست آوردن زمینه مساعد چند بیانات مشغولند: یکی کیف چرمی زبر پهل گذاشته پیاده و سواره از این دو آن ده از این قصبه بآن تیره طی طریق میکند و خودی نشان نمیدهد - سنک دلسوزی ملت را به بیست - دیگری همان کینه قنوت را که تا دیروز بسته بود باز کرده - و بوجه اهالی را از مجالس سور و سرور خود بهره رده ساخته و با امیدواری کامل از نتایج آتی مشتغ خود حظ میبرد - آن یکی در تهران پنهانی اتحادیه قطع برای خود و پس عیوا و پسر خاله هایش بنام (اتحادیه سلوچها) تشکیل داده و مجله ادبی و فرای !! (استشار میلیونرها) را بپیراهن ضامن ساخته و دیک هوس نماینده ساوه را روی این کوره بار کرده است - رفیق که در نهایت دقت بحرفهای من گوش میداد یکدفعه مثل کسیکه مصالحت با طاعن رسیده باشد پرسید:

اتومبیل شیک و قشنگی که گامگاه از این قبیل در این شهر دیده میشود کنار خیابان جدیدالاحداث ساوه مقابل خانه آقای (م) ایستاده بود رفیق کنجکای شوشی مرام بود پرسید: این گپواره جبریل ماست کیست؟ گفتیم مگر نیاوردی آقای... امروز صردرد این شهر تزلزل اجلال فرمودند!

گفت: بشنید ولی هر قدر فکری میکنم نمیتوانم علت ورود ایشانرا استنباط نمایم زیرا من اهل این شهرم و میدانم که آقای... هرگز با اهل ساوه سروکاری نداشته مگر اینکه بگویم اینها سنک و کالت ملت را بر سر و سینه خود میکوبد و برای فراهم ساختن مقدمات کار با نجبا آمده است!!

گفت آری منظورش همین است و چون شنیده که کفعل مردم در چشم آبیانست با یکدیگر تکیه و زر و زور و خود فروشی وارد شده و مخصوصا اتومبیل شیک خود را جل نظر قرار داده و میخواهد بدین وسایل از اهالی جلب نظر کند.

خندید و گفت: مگر برای زن گرفتن آمده، مگر نیاوردی که کالت غیر از انتخاب مهر و مجلس شوری غیر از حله دامادی است، مگر صاحب تجملی در خود روکالت است؟ گفت آن یکی را چه میگویی که شیوینو کرنا برداشته از دور مراتب زهد و تقوی خود را به گوش اهالی این شهر نرسد میخواند و مطومات شرعی و درجه اجتهاد خود را بر رخ مردم میکشد؟ گفت: آن بیچاره هم پشایش مردم نیاورد که در این موعت سعت و باریک مجلس شوری بفرزاسد جمع و سیاست ملک و ملت بفرزاند.

چهارم است پیاده بلای اینک بگویم از باب صائم و اهل زهد و تقوی برای نمایندگی شایسته ترند تازه او واجدان مقام تیره و بلنگ اشخاص مطلع این شهر میدانند که چنانچه برخلاف شروع و حرف هم مباحثی دارد و محافضاتی و کالت گذرگری هم نیست!

قالی که از طرف شهربانی بنا اداره کارخانه شده بود فل می کرد باول موارد دشوار و بخرنج ضعیف وارد را با کله ای توجیه نزد و کیلی که دوستش بود میفرستاد و مومنی که برایش مسر بود خودش راهنمایی میکرد کم کم اهالی صله نسبت باین جوانک منظم که از روی سادگی و تهور در باب هر چیزی حرف میزد و تقریبا هیچوقت نمی خندید و بهیچ چیز بدقت نگاه میکرد و گوش میداد و در پیچگی هر موضوع تمسق مینمود و از میان هزاران گره کور رشته اتصال بین اشخاص را کشف میکرد حس احترام پیدا کرده...
مادر بسط نفوذ پدرش را میدید و شروع میکرد باینکه معنی کارهای باول را بپندد و وقتی که بی میبرد مانند جهمما خوشحال میشد. باول تنگنگی کمشوع کس را که یکک برای مرداب پیش آمد بیشتر در آنجا عمو می جلو نمود مرداب وسیعی که در آن درختهای صنوبریان کلاهد بود مانند خندق منتهی کارخانه را احاطه میکرد در ناستان بطاری زرد رنگ و غلیظ و امواجی از شیه که در صله پراکنده گشته مایه شیوع تب می شد از آن بر میخاست. مرداب بکارخانه تعلق داشت. مدیر جدید کارخانه برای استفاده خود بشکو افتاد آنرا خشک و شننا سوخت بنامش را (تنسورب) دارنده برین دارنده نه بیارستان و بیور شکاه دارنده نه طیب و دو دارنده هیچ و هیچ چیز نداشتند همه میدانند که آنهایی هم که نیاوردند بوسیله روشن فکریان و خیر خواهان خود خواهند دانست که دیگر انتصابات تحلیلی یا طبیعی و یا تئیدی بود آنان نبیض بود، همه میدانند که باید برای اعاده ثنونات حیاتی خود، برای حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود و بالاخره برای درمان عوارض بود بی درمان خود نایندد حقیقی خود را برای دوره چهارم انتخاب کنند، و میدانند که زهد و تقوی ذوقی بیادلسوزی و نوحه سرانی خالی از حقیقت یا سفره های رنگین موقتی این و آن تهدید و تشویق بکشتن تب پرورد میدرد و هم نباید آنرا آلت قرار داده و بار دیگر حاضر فاسد جاه طلب برای تیل بقاصد سوء خود پای بی احتمالی بردوش نخت و فاتران نشان بگذارند، من از فراداد هر مجلس و مسلی خواهام گفت که ای مردم ساوه! گر لعل خود را بزم از مبارزه با خصایص و دفاع از حقوق ملی خود تریسد و کسی را برای نمایندگی انتخاب کند که از درد های دلتان با خبر باشد بحال شاو وزن و فرزندتان دل بسوزاند هم خود را برای حفظ و منافع و مصالح شما مصروف دارد، وجدان خود را بر لب نهد با هستی و حیات شای بازی نکند، و دوره نمایندگی را فقط بکشتن (احسنو صحیح است) نگذارد.

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

مادر بسط نفوذ پدرش را میدید و شروع میکرد باینکه معنی کارهای باول را بپندد و وقتی که بی میبرد مانند جهمما خوشحال میشد. باول تنگنگی کمشوع کس را که یکک برای مرداب پیش آمد بیشتر در آنجا عمو می جلو نمود مرداب وسیعی که در آن درختهای صنوبریان کلاهد بود مانند خندق منتهی کارخانه را احاطه میکرد در ناستان بطاری زرد رنگ و غلیظ و امواجی از شیه که در صله پراکنده گشته مایه شیوع تب می شد از آن بر میخاست. مرداب بکارخانه تعلق داشت. مدیر جدید کارخانه برای استفاده خود بشکو افتاد آنرا خشک و شننا سوخت بنامش را (تنسورب) دارنده برین دارنده نه بیارستان و بیور شکاه دارنده نه طیب و دو دارنده هیچ و هیچ چیز نداشتند همه میدانند که آنهایی هم که نیاوردند بوسیله روشن فکریان و خیر خواهان خود خواهند دانست که دیگر انتصابات تحلیلی یا طبیعی و یا تئیدی بود آنان نبیض بود، همه میدانند که باید برای اعاده ثنونات حیاتی خود، برای حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود و بالاخره برای درمان عوارض بود بی درمان خود نایندد حقیقی خود را برای دوره چهارم انتخاب کنند، و میدانند که زهد و تقوی ذوقی بیادلسوزی و نوحه سرانی خالی از حقیقت یا سفره های رنگین موقتی این و آن تهدید و تشویق بکشتن تب پرورد میدرد و هم نباید آنرا آلت قرار داده و بار دیگر حاضر فاسد جاه طلب برای تیل بقاصد سوء خود پای بی احتمالی بردوش نخت و فاتران نشان بگذارند، من از فراداد هر مجلس و مسلی خواهام گفت که ای مردم ساوه! گر لعل خود را بزم از مبارزه با خصایص و دفاع از حقوق ملی خود تریسد و کسی را برای نمایندگی انتخاب کند که از درد های دلتان با خبر باشد بحال شاو وزن و فرزندتان دل بسوزاند هم خود را برای حفظ و منافع و مصالح شما مصروف دارد، وجدان خود را بر لب نهد با هستی و حیات شای بازی نکند، و دوره نمایندگی را فقط بکشتن (احسنو صحیح است) نگذارد.

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

دیده رفیق حقیقتا از جادو رفت و اگر سکتش نکند تا چند ساعت دیگر از اینشله سخن خواهد گفت گفت خاطر جمع باش که فعالیت آنان هیچ تأثیری در افکار اهالی نخواهد داشت مگر نسبی بیلبین مسود آنان کسانی هستند که تنها حسن سابقه و وجهه عمومی ندارند بلکه از سواد فارسی هم بی بهره بوده و حرف نمیزنند را شمردن نمیتواند: سالی که نکوست از بهارش پیداست!! ساوه - مصعب بی رای گیلانی (شیدا)

شایگان ماکسیمووی



ترجمه علی اصغر سرفی

استخراج کند - بکارگران گفت که این عمل حوالی مرداب را سالم میسازد و موجب بهبود وضعیت صوم میگردد و این جهت دستور داد از هر روبیل مزد کارگران یک کیل (یک صد روبیل قدره مترجم) بابت خشک کردن مرداب کسر کنند.

کارگراها بیچنان آمدند: بخصوص از این نکته متعجب شدند که این مالیات جدید بکارمندان تعلق نگیرد. روز هفت ای که تصمیم مدیر اعلام گشت باول مریض و سرکار حاضر نشد بود لذا از موضوع اطلاعی نداشت. صبح روز بعد سیزف ریخته گر بر مرد خوش قیافه از نماز جماعت (مس) و ماخوتین نقل ساز مرد بلسته قد و زود خشم نزد باول آمده قضیه را برایش شرح دادند.

داران و غارتگران چاهه اند شا را چه میشود - اینها بواسطه ماده پرستی و فراموشی حقیقت بستن و کل و طلا و نقره و اسب در این دلبستگی پاک باخته اند که ابتدا بفر کم نوعان خود نیستند (چنانچه در قرآن کریم است: نذین للناس حب الشهوای من النساء النبیین و النقا طیر القنطریین اللهب و اللغه الی اغرالا) اینها چون بغای خود را در قنای دیگران می بینند از هلاک چاهه پاک ندارند و مرکب بر فقر و ذلیلان میرانند اگر چه این مرکب روانی و آب دوانی از غفلت و بی خبری است و عاقبتش برایشان خوب نیست.

تنه بر خاک شهیدان مدونان مرکب را با خیرباش که خون از سر زمین میگردد اینها در این نوساله جنگ هر کدام میلیون ها ریال و تومان بچیید زده اند و اکنون که دوره انتخابات است هوس و کالت دارند و قصب ریاست مطلقه و فرعونیت نموده اما شمارا چه میشود که مردی بی نوا و قهرید و بسایه زور زحمت روزانه نان خالی شب کودکان خود را فراهم کند آبشارا چرا باید حسابت از شکران نایند مگر نیاوند اگر وضع ملک همینطور باشد که هست تماش بیخ اینها و خرم من و شامت و کار این ضرر بیجای خواهد رسید که فردا فرزندان من و سا از بی قشالی بیرون و رهسپار دیار ناگردند.

چرا بتجلیله سخن میگوید چرا از دو نفر شخص مطلع و بااصاف نیبرسد آنکه سکتند خداراست کند مولوی که در متونی قصه مناسب حال شا و امثال شا نقل میکنند و میگردد مرد صوفی دو مسافر خود رسید بخانقاهی که صدقندران و رندان با آبشارا رفت و آمد داشته الاغ خود را در طوبله خانقاه بست و نهاد هم سقاوش نگهداری الاغ را کرد سپس یکی از سیرت برای استراحت رفت قنطردان گرسه را خیر شد که غری در طوبله خانقاه میباید بعضی دور مسافر را گرفته و سر گرم شوند بعضی خوراخرش رسانند و آن ش بود جو شورا علم کردند پس از صرف شام بیاض نشسته و قصد سماع کردند اینجامولوی گوید.

چون سماع آمد زاول تا کاران مغرب آغازید پاک ضرب کران خربرفت و غر برفت آغاز کرد زین حرارت جهه را ابناز کرد زین حرارت پای کوپان تا سمر کف زلان خربرفت و خربرفت ای پسر بزم نزنند.

سیرف از روی و قار گفت: کارگرانی که نشان بیشتر است در صوم جمع شدند و مذاکره کردند. حالا مرا فرستاده اند - چون آدم روشنگری هست - از تو سؤال کنم که بویج قانون مدیر کارخانه مجاز است با پول ما یا به شاه مبارزه کند یا نه؟

ماخوتین چشمهای مورب خود را کرد کرده اضافه نمود: فکر کن که در چهار سال قبل این زدها برای ساختن حمام امانت جمع کردند سه هزار و هشتصد روبیل جمع گشت... پولها کجا رفت و حمام چطور شد؟

باول توضیح داد که این مالیات جباره است و کارخانه از این طرح استفاده مهمی خواهد برد. سپس این دو از ره تقلید آن صوفی هین خر برخت آغاز کرد اندر چنین تاسیح از نشا آن سرودگر بودند صبح که شد قنطردان پاک یک از خانقاه بیرون آمدند و راه منزل خویش گرفتند صوفی مسافر چون بطور یله رسید و خر را بابت باخادم تهاب آغاز زد که خر کجاست خادم گیبت را نقل کرد مرد مسافر متاز شمه گفت چرا مسرا خبر نکردی گفت چندین بار آدم خبرت کنم اما نه اینچنان سنت سرود خر برفت و خر برفت بودی که پروای خبر دیگران باشوم دیدم تو خود نیز مترجم آن سروی وجهه خربرفت و خر برفت را با یکی تمام هیجوانی گفت شاید تو خود نیز خبر داری از مالوقه مرد صوفی گفت مرا آن سرود خوش آمد و بتقلید ایشان میگفتم آنکه مر مرا تقلیدشان بر باد داد ای دوصد لنت بر این تقلید باد گفتم حکایت هم آواز شدن توده ستم رسیده باین مستکران و تشریف از حکومت دیکتاتوری استبدادی و خوشنودی از این علیات دولت و معاملات تجاری اصفال همانا هم آوازی آن مرد صوفی را ماند که با قنطردان کرد و الا چرا از قانون مسارات و عدالت خواهی رو گردان باشم.

چون گفتارم با اینجا رسید آن دو نفر گفتند مگر حرب توده ایران مارا از این ملت و بیچارگی نجات امیخشد. گفت قنط است و فقط باعث نجات ملت و آسایش امت اجرای مرام این حزب است چرا که مواد این مرام نامه در مقابل تمکلات ظالمانه بیدادگران است. و اساس عدالت را کامل استوار و برقرار خواهد نمود.

زیرا همانطور که قرآن کریم می فرماید انسانا لومنون اخوة وهه را برادر یکدیگر خوانند این مرام نیز بر روی اساس برابری و برادری است که تمام افراد مملکت مانند برادران و اهل یک خانواده باید از نعمت های این مملکت استفاده کنند و ابدا جز امتیازات روحی امتیازی برای کسی قابل نیست چنانچه قرآن می فرماید: ان اکرمکم عندالله اتقیکم یعنی بویستیک برتری آن کس راست تودرد خداوند که پرهیزگار تر باشد. و لاطیفه که در این آیه هست یعنی درجه عدالت اتقیکم الیه بر اهل فراست مطلق نیست که میخواند جلوگیری از دکان داری و ربا کاری کند یعنی میخواند نگیرد هر کار در دست شیادان یافتند که آن را وسیله تقدم و تاخر قرار دهند و احتفال را بزم نزنند.

سیرف از روی و قار گفت: کارگرانی که نشان بیشتر است در صوم جمع شدند و مذاکره کردند. حالا مرا فرستاده اند - چون آدم روشنگری هست - از تو سؤال کنم که بویج قانون مدیر کارخانه مجاز است با پول ما یا به شاه مبارزه کند یا نه؟

ماخوتین چشمهای مورب خود را کرد کرده اضافه نمود: فکر کن که در چهار سال قبل این زدها برای ساختن حمام امانت جمع کردند سه هزار و هشتصد روبیل جمع گشت... پولها کجا رفت و حمام چطور شد؟

باول توضیح داد که این مالیات جباره است و کارخانه از این طرح استفاده مهمی خواهد برد. سپس این دو از ره تقلید آن صوفی هین خر برخت آغاز کرد اندر چنین تاسیح از نشا آن سرودگر بودند صبح که شد قنطردان پاک یک از خانقاه بیرون آمدند و راه منزل خویش گرفتند صوفی مسافر چون بطور یله رسید و خر را بابت باخادم تهاب آغاز زد که خر کجاست خادم گیبت را نقل کرد مرد مسافر متاز شمه گفت چرا مسرا خبر نکردی گفت چندین بار آدم خبرت کنم اما نه اینچنان سنت سرود خر برفت و خر برفت بودی که پروای خبر دیگران باشوم دیدم تو خود نیز مترجم آن سروی وجهه خربرفت و خر برفت را با یکی تمام هیجوانی گفت شاید تو خود نیز خبر داری از مالوقه مرد صوفی گفت مرا آن سرود خوش آمد و بتقلید ایشان میگفتم آنکه مر مرا تقلیدشان بر باد داد ای دوصد لنت بر این تقلید باد گفتم حکایت هم آواز شدن توده ستم رسیده باین مستکران و تشریف از حکومت دیکتاتوری استبدادی و خوشنودی از این علیات دولت و معاملات تجاری اصفال همانا هم آوازی آن مرد صوفی را ماند که با قنطردان کرد و الا چرا از قانون مسارات و عدالت خواهی رو گردان باشم.

چون گفتارم با اینجا رسید آن دو نفر گفتند مگر حرب توده ایران مارا از این ملت و بیچارگی نجات امیخشد. گفت قنط است و فقط باعث نجات ملت و آسایش امت اجرای مرام این حزب است چرا که مواد این مرام نامه در مقابل تمکلات ظالمانه بیدادگران است. و اساس عدالت را کامل استوار و برقرار خواهد نمود.

زیرا همانطور که قرآن کریم می فرماید انسانا لومنون اخوة وهه را برادر یکدیگر خوانند این مرام نیز بر روی اساس برابری و برادری است که تمام افراد مملکت مانند برادران و اهل یک خانواده باید از نعمت های این مملکت استفاده کنند و ابدا جز امتیازات روحی امتیازی برای کسی قابل نیست چنانچه قرآن می فرماید: ان اکرمکم عندالله اتقیکم یعنی بویستیک برتری آن کس راست تودرد خداوند که پرهیزگار تر باشد. و لاطیفه که در این آیه هست یعنی درجه عدالت اتقیکم الیه بر اهل فراست مطلق نیست که میخواند جلوگیری از دکان داری و ربا کاری کند یعنی میخواند نگیرد هر کار در دست شیادان یافتند که آن را وسیله تقدم و تاخر قرار دهند و احتفال را بزم نزنند.

سیرف از روی و قار گفت: کارگرانی که نشان بیشتر است در صوم جمع شدند و مذاکره کردند. حالا مرا فرستاده اند - چون آدم روشنگری هست - از تو سؤال کنم که بویج قانون مدیر کارخانه مجاز است با پول ما یا به شاه مبارزه کند یا نه؟

ماخوتین چشمهای مورب خود را کرد کرده اضافه نمود: فکر کن که در چهار سال قبل این زدها برای ساختن حمام امانت جمع کردند سه هزار و هشتصد روبیل جمع گشت... پولها کجا رفت و حمام چطور شد؟

باول توضیح داد که این مالیات جباره است و کارخانه از این طرح استفاده مهمی خواهد برد. سپس این دو از ره تقلید آن صوفی هین خر برخت آغاز کرد اندر چنین تاسیح از نشا آن سرودگر بودند صبح که شد قنطردان پاک یک از خانقاه بیرون آمدند و راه منزل خویش گرفتند صوفی مسافر چون بطور یله رسید و خر را بابت باخادم تهاب آغاز زد که خر کجاست خادم گیبت را نقل کرد مرد مسافر متاز شمه گفت چرا مسرا خبر نکردی گفت چندین بار آدم خبرت کنم اما نه اینچنان سنت سرود خر برفت و خر برفت بودی که پروای خبر دیگران باشوم دیدم تو خود نیز مترجم آن سروی وجهه خربرفت و خر برفت را با یکی تمام هیجوانی گفت شاید تو خود نیز خبر داری از مالوقه مرد صوفی گفت مرا آن سرود خوش آمد و بتقلید ایشان میگفتم آنکه مر مرا تقلیدشان بر باد داد ای دوصد لنت بر این تقلید باد گفتم حکایت هم آواز شدن توده ستم رسیده باین مستکران و تشریف از حکومت دیکتاتوری استبدادی و خوشنودی از این علیات دولت و معاملات تجاری اصفال همانا هم آوازی آن مرد صوفی را ماند که با قنطردان کرد و الا چرا از قانون مسارات و عدالت خواهی رو گردان باشم.

چون گفتارم با اینجا رسید آن دو نفر گفتند مگر حرب توده ایران مارا از این ملت و بیچارگی نجات امیخشد. گفت قنط است و فقط باعث نجات ملت و آسایش امت اجرای مرام این حزب است چرا که مواد این مرام نامه در مقابل تمکلات ظالمانه بیدادگران است. و اساس عدالت را کامل استوار و برقرار خواهد نمود.

زیرا همانطور که قرآن کریم می فرماید انسانا لومنون اخوة وهه را برادر یکدیگر خوانند این مرام نیز بر روی اساس برابری و برادری است که تمام افراد مملکت مانند برادران و اهل یک خانواده باید از نعمت های این مملکت استفاده کنند و ابدا جز امتیازات روحی امتیازی برای کسی قابل نیست چنانچه قرآن می فرماید: ان اکرمکم عندالله اتقیکم یعنی بویستیک برتری آن کس راست تودرد خداوند که پرهیزگار تر باشد. و لاطیفه که در این آیه هست یعنی درجه عدالت اتقیکم الیه بر اهل فراست مطلق نیست که میخواند جلوگیری از دکان داری و ربا کاری کند یعنی میخواند نگیرد هر کار در دست شیادان یافتند که آن را وسیله تقدم و تاخر قرار دهند و احتفال را بزم نزنند.

نفر کارگر با حالت گسسته و میوس رفتند.

مادر پس از مشامت آنان تسم کتان بانک زد: خوب باول پیر مرد ها میآیند از تو



فرمان استالین و بمباران گرت

فرمان استالین

تجه از صله اول

اورد و در جهت یلگورود و کورسک سیرده لشکرزده یوشویک لشکر موتوروی و لشکر پیاده ترکز داه بدین طریق رویهم رفته هلد لشکر زره پوش و هجده لشکر پیاده سه لشکر موتورویزه دشمن در این حله حرکت یابند.

فرماندهی نیروی آلمان با گرد آورده این نیرو ها در مناطق تک جبهه قصد و شوروی بر سالی خود افزوده و برای اجرای منظور مهم که عبارت از شکست و تسلیم بلاشروط آلمان بلژی و هندستان وی باشد و باید هر چه زود تر صورت گیرد کار گرات هر دو کشور را متحد و متفق خوانند سانت کیت در جلستان خویش قضیه توسعه دائره عملیات خود را مطرح ساختن با رضی که تصمیم گرفت سندیکا های امریکای شمالی و امریکای جنوبی را نیز با خود متحد سازد و سندیکا های کشورهای که جزو اتحادیه انگلیس و شوروی و امریکای متحد و برای آزادی خود از زیر بار ظلم و بیاد گری میسر میسختند مانند یوگوسلاوی و لهستان و فرانسه و چک اسلواکی و بلژیک و هلند و نروژ و یونان و دیگر کشور ها را بطرف خود کشاند.

کیت طبق مقررات قرار داد منصفه در پانزدهم اکتبر ۱۹۴۱ لازم داشت با سندیکا های غربی انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی ارتباط حاصل کند و در باره کوششهایی که کارگران برای افزایش محصولات منبذند و در خصوص عملیات سندیکا های که کمک بلوتشا و جبهه منبذند اطلاعاتی میباید نماید.

کیت سندیکاهای انگلیس و شوروی در مسائل مربوط با ایجاد جبهه دوم حل و فصل مسائل راجع سندیکا های شوروی و انگلستان را مطرح و مورد بحث قرارداد را ن و هوا نوردان مانو به نظری از رشاد و پایداری و همت ابراز می دارند بدین طریق باید کت که قشعه حله تابستانی آلمان بکلی مواجه با هم موافقت گردیده است نتیجه آن شد که افسانه مربوط با آنکه آلمانیها خواهر در فصل تابستان بیرون میروند میباشند و نیروی شوروی در همان فصل سال عقب نشینی می نمایند بیرون آمد دربره های که از پیچ نایست سوم زوی در گرفت فئاد هزار افر و سرباز دشمن کشته شدند و دشمن دو هزار و نیمه تانک و یکصد و نود و پنج توپ تراکتوری و هشتصد و چهل و پنج سمرای ۱۳۶۲ هواپیما و بیش از پنج هزار کایون که آسیب دیده و پرتاب گردیده از دست داد.

اكتشافات هوایی که شده اینطور بر می آید که قبل از زمانی اکتیای شمال خاوری جزیره از دست دشمن باید منتظر بود های بسیار شدیدی بود.

هیچکاکو - در بریت پانزمن ملون وزارت جنگ امریکا اعلام داشت که قشقه ۵۰۰۰ تن سرباز بوسیه هوا پیاده در صیسیل بکار رفته است این اظهار ملون وزارت جنگ امریکا برای آنست که معلوم شود تبلیغات محورو دایر بر اینکه ده هزار چتر باز در حله بر سیسیل ناپود شده اند بی اساس و عارو از حقیقت است معلومت معروضها در سیسیل بشوی ناپود بوده که هرگز انتظار آن نیست. خبر جیره سسیل بروی پایان خواهد یافت و تا چند روز دیگر کار سیسیل بکسر خواهد شد.

الجزیره - چنانکه گویند امریکای رادوی الجزیره گزارش میدهد نیروهای متفقین در سیسیل تا اکنون شصت هزار نفر اسیب گرفته اند.

لندن - اکنون با تصرف مارسالا تمام قسمت باختری جزیره سیسیل به تصرف امریکاییها در آمده است.

سومین دوره جلسات کمیته سندیکا های شوروی و انگلیس

و تصمیمات آن

مکو - طبق اطلاع خبرگزاری شوروی اعلام کمیته سندیکا های انگلیس و شوروی چنین اظهار میدارد از دوازدهم تا ۲۳ ژوئیه ۱۹۴۳ سومین دوره جلسات کمیته سندیکا های انگلیس و شوروی در مسکو دائر گردید از طرف سندیکاهای انگلیس و سوشلیست و کانلی و هریس و قدر دیر هیئت نمایندگان سندیکا ها که هم کارنمنان کمیته سندیکا های انگلیس و شوروی هستند در این جلسات شرکت یافتند و از طرف سندیکاهای شوروی در چورونج و نیکولا یوکا و تراسف و سلوگف و نالین که دیر نمایندگان است حضور یافتند. کمیته سندیکا های انگلیس و شوروی در مسائل شرح زیر بحث کرده اند.

- ۱ - اظهارات سیتزین راجع بسافرشش کشور های متحد امریکای شمالی و مانوریتی که وی از طرف کمیته سندیکاهای انگلیس و شوروی داشته است
- ۲ - گزارشهای نمایندگان انگلیس و شوروی راجع باقدمات و عملیات سندیکا های انگلیس و شوروی برای اجرای قرار دادهایی که بین آنها منعقد شده است.
- ۳ - اطلاعاتی که نمایندگان شوروی راجع بطرز سازمان سندیکاهای شوروی دادند. هر دو هیئت نمایندگان درباره میزان محصولات کارگران اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و اصانت کار آنان و میزانت حقوق و شرایط کارشان اطلاعاتی بیکدیگر دادند.

لندن - آلمانیها در سیسیل چون نام برده اند های خود را از دست داده و بدین واسطه نمیتوانند نیروهای خود را حفظ کنند هر قدر اسی منظور پایداری برای آخرین استقامت - روزنامه سویالی دموکراتن درباره خبریکه ایستگاه های رادیوی آلمان انتشار دادند چنین می نویسند که در ضمن ملاقات هیتلر و موسولینی پیشوای ایتالیا از هیتلر درخواست کرده است که دوباره با ایتالیا کمک و مساعدت نماید زیرا بقیه وی چنین کسکی عقیده ای را در ایتالیا شایع است مبنی بر این که آلمان ایتالیا را بخود واگذار کرده و با او همراهی نیکند از میان خواهد برد.

هیتلر پاسخ داده است که هر ممکن است حتی یک لشکر از جبه شوروی به ایتالیا انتقال داد.

اوضاع از لحاظ تانک و هواپیما هیچکس است. هیتلر بوسولینی گفت که حاضر است چهار لشکر آلمان در فرانسه را ایتالیا بفرستد.

بوجه حسیایکه کارنمنان آلمان کرده اند دست کم نلت تعداد لکوموتیوها و واگون های ایتالیا برای انتقال این لشکرها لازم است.

هیتلر پیشنهاد کرده است که در عوض این کمک که آلمان با ایتالیا میکند ژنرال کسل رینکه نورا فرماندهی نیروهای آلمان و ایتالیا در سیسیل برگزیده شود.

روزنامه های آلمان هیچگونه تفسیری در مذاکره این دو رئیس دولت ننموده اند و قراتی در دست نیست که هیتلر قبول داده باشد کم و بیش در دفاع ایتالیا شرکت کند.

جنگ شدید در شش میلی اریل

صرف زیمو فگا و حمله بوسیله مهنو هی در گویان

مسکو - هارل کینک - نبرد در اریل پیوسته بر عتد خود میافزاید زیر آلمانی ها از روی ناچاری برای جلوگیری از حملات نیروی شوروی که از سه جهت شمال و جنوب و خاور صورت میگردد مبارزه منبذند و پیوسته حملات بیایی مبارزه در تمام مناطق جبهه مهم میسر نماند با اینحال ارتش سرخ پیوسته پیش میروند ستونی از سربازان سرخ که نسبت به ستون های دیگر نزدیکتر به اریل میباشد همان نیرویی است که از سمت خاور پیشرفت میکند بطوریکه از اطلاعات اخیر بر می آید رزم در شش میلی شهر در گرفته است.

یک ستون دیگر از ارتش سرخ از مستنک و بولف یعنی تقریباً از سی میلی شمال خاوری اریل بجمله پرداخته است.

ستون دیگر نیز از سمت جنوب باختری پیشرفت میکند و منظورش آنست که خط آهن اریل و بریانسک را قطع کند. طی دو روز اخیر رزم بر حله دشواری رسیده اریل شهری است که عمارات سنگی فراوان دارد و آلمانی ها طبق عادت دیرینه خود آن عمارات را تبدیل به بنای مستحکم نموده اند.

نقاط پیرامون شهر نیز جنگلیزار است و چنین تبه نیز اطراف شهر را احاطه کرده و از خلال تبه ها نهر ها جاری است.

فرماندهی نیروی سرخ ابتدا باید سه نوع عملیات انجام دهد و سپس به نبرد حله کند در این امر لازم است تمام ناحیه جنوبی خط آهن بین (بولف) و مستنک را محکم سازد پس از آن خط آهن در مرحله سوم مبادرت بعملیات کند که از حملات ناگهانی دشمن در جناح باختر ستون شمالی که مواضع آن تقریباً موازی خط آهن بین بریانسک و تولا است محفوظ ماند.

اریل گو اینکه آمیرا از شمال خاوری و خاور بوسیله توپهای دوزن کوله باران شده است مهندسانی است که تصرف آن سهل و آسان نی باشد - این اوقات عینا شبیه همان موقعی است که نیروی شوروی در بایز سال گذشته حله بر رؤف میبرد هوا بحال این نیرو مساعد نبود و مدت مدیدی باران بیایی میبارد و قطع

قاهره - بقراریکه ستاد نیروی هوایی خاور میانه روز شنبه اعلام کرده است چندین دسته هواپیما انگلیسی و نیروی هوایی یونان و همچنین هواپیما های هریکن و شکارچی (بو) و (بالیتور) در پرواز در اتای روز بر حله نیرو ها تأسیسات دشمن در جزیره کرت بعملیات تهاجمی وسیعی پرداخته در طی حله یک ابار منبذات آتش گرفته ترکیه و هواپیما های ما با موفقیت کامل بطرف مسلسل توپ برادر هوا مواضع توپخانه و انومیلیا و دیگر وسائط قله حله برزند. علاوه بر مراکز تلگرافی سیب و کارخانه های برق حله نموده بر آنجاها خسارت وارد آوردیم - ب بافتنهای سیک ما

قاهره - بقراریکه ستاد نیروی هوایی خاور میانه روز شنبه اعلام کرده است چندین دسته هواپیما انگلیسی و نیروی هوایی یونان و همچنین هواپیما های هریکن و شکارچی (بو) و (بالیتور) در پرواز در اتای روز بر حله نیرو ها تأسیسات دشمن در جزیره کرت بعملیات تهاجمی وسیعی پرداخته در طی حله یک ابار منبذات آتش گرفته ترکیه و هواپیما های ما با موفقیت کامل بطرف مسلسل توپ برادر هوا مواضع توپخانه و انومیلیا و دیگر وسائط قله حله برزند. علاوه بر مراکز تلگرافی سیب و کارخانه های برق حله نموده بر آنجاها خسارت وارد آوردیم - ب بافتنهای سیک ما

بمباران شدید گرت

آیا آلمان در دفاع ایتالیا شرکت خواهد کرد؟

تأسیسات (ایراترا) و «هراکت» را بمباران کرده - در طی یک هفته عملیات دیگر هم هواپیما های شکاری انگلیس در نزدیک گراته های سیرنایک یک هواپیما بویکرز ۸۸ دشمن را سرتگون نمودند - از این عملیات دیگر شش عملیات دیگر هند هواپیما ما تاکنون بر اکثر خودباز نکشتند.

واشنگتن - لرد هلیفیکس سفیر کبیر انگلیس در امریکا روز شنبه اظهار داشت که ارسال کالا بکشورهای خارجه بر اساس قانون و ام اجاره دیگر صورت بکمانی ندارد بلکه دولت انگلیس و امراطوری بریتانیا نیز اکنون بهمان اندازه که حلالذرات میدانند بکشور ها کالا می فرستند

اخبار کشور

نمایندگان انجمن شهر تهران - آقای سیدی وزیر کشور دوازده نفر از بین شصت حاضرین اکثریت نمایانگی انجمن شهر تهران تمینو نصت هدی برای تصویب ارسال داشته اند. قرار بسته است در جلسه دیشب هیئت وزیران نسبت بانقلاب دوازده نفر نمایندگان انجمن شهر تهران تصمصم قطعی اتخاذ و امروز به وزارت کشور ابلاغ گردد.

استاندار و فرماندار لشکر فارس - کیخسرو هانی راجع بقضایای فارس روز شنبه و دیزروز بریاست آقای نصت وزیر در شیراز و شهر تشکیل و در نتیجه نوام الملک شیرازی نسبت اشتانداری فارس و سر لشکر جهانبانی فرماندهی لشکر فارس انتصاب و قرار است با تصویب مجلس مبلغ دویست تومان برای هزینه قضایای فارس تخصیص داده شود.

باز توقف - روزنامه پرورش از طرف فرماندار نظامی توقف شده است

افزایش سهمیه قند و شکر - چون سهمیه قند و شکر در مملعی اخیر احتیاجات مملعی افراد را تامین نمی نمود اداره کل خواربار کشوری تأمین آسایش عمومی بجزان سهمیه قند و شکر افزوده و از امروز در برابر کوبین شماره ۵ مهرله ۱۳۲۱ ساکنین تهران میتوانند سهمیه گرم قند و چهار صد گرم شکر سهمیه مرداد ساله را از همانجا و خورده فروشان خریداری نمایند کوبین شماره ۶ مهر نیز اختصاص بیای دارد

چگونه آردو مقدم - بموجب قانون مصوب مقرر بود که وزارت خواربار در برابر کوبین پروانه آرد صادر نماید پس از اسنلال وزارت خوار بار اداره قله از صدور پروانه خودداری نموده بود و اکنون اداره کل خواربار مشغول مطالعه می باشد تا ترتیب بگیری انتظام شود و همین دو روزه ترتیب دادن پروانه کنند در برابر کوبین داده خواهد شد و جای نگرانی نیست

فرود آمدن طیاره - بقرار گزارش تلگرافی دلجان هواپیما پستی شماره ۱۰۴ کارفرودگاه دلجان پرواز نموده در فاصله کیلومتری دلجان راه اسپهان بواسطه خراب شدن موتور سقوط نموده بلی پستیان آن صدمهای وارد نشده و بطور طیاره هم آسیبی نرسیده است

جلسه خصوصی - جلسه آینده مجلس دیزروز قبل از ظهر جلسه خصوصی با حضور آقای نصت وزیر در مجلس تشکیل گردید و رست در مسائل عمومی کشور و جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی مسل آمد و تا یک ساعت و ربع بعد از ظهر جلسه خصوصی بطول انجامید و چون وقت باقی نمانده بود جلسه علنی مجلس تشکیل نشد مگر کول پرواز سدشنه (فرذا) گردید.

جو و گاه جیره بندی میشود - اداره کل خوار بار کشور برای ایجاد آسایش صاحبان درشکه ها و در نتیجه رفاهیت مردم از لحاظ استفاده از درشکه تصمیم گرفته جو را جیره بندی نماید - بهر درشکه مطابق تعداد اسب جو و گاه بقیث نازلی فروخته خواهد شد و اکنون مشغول تهیه مقدمات امر میباشند. تاسی از برداشتن آمار درشکه های تهران و نام نویسی صاحبان درشکه ها و تعیین مقدار مورد احتیاج اقدام بجزیره بندی نمود